



انجمن ایرانی حقوق جزا

نشریه علمی

پژوهشنامه حقوق کیفری



دانشگاه گیلان

سال شانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، پیاپی ۳۲

صفحات مقاله: ۷-۳۱

مقاله پژوهشی

عوامل مشددهی جرم تخریب در حقوق کیفری ایران، انگلستان و وِیلز

۱- امیر اعتمادی *

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

✉ am.etemadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۹/۹	تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷
-----------------------	-------------------------

چکیده:

جرم تخریب در مواردی ارتکاب می‌یابد که شخصی عامدانه مال متعلق به دیگری را از بین ببرد یا خسارت وارد آورد. این جرم به دو دسته‌ی تخریب کیفری ساده و تخریب کیفری مشدد تقسیم‌پذیر است. در تخریب کیفری مشدد، برخی عوامل به‌منزله‌ی عامل مشددهی جرم تخریب ایفای نقش می‌کنند. در حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار استفاده از مواد منفجره و قصد مقابله با حکومت اسلامی را به‌مثابه‌ی عوامل تشدیدکننده‌ی جرم تخریب محسوب کرده، ولی به جهاتی نظیر قصد به خطر اندازی حیات دیگری توجهی نکرده است. اما، در حقوق کیفری انگلستان و وِیلز، قانون‌گذار استفاده از حریق، قصد به خطر اندازی حیات دیگری و انگیزه‌های نژادی یا مذهبی را عوامل مشددهی تخریب کیفری دانسته است. بر این اساس، نوشتار حاضر، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و از رهگذر مقایسه‌ی نظام‌های حقوقی مذکور، راهکارهایی مانند حذف صرف قصد مقابله با حکومت اسلامی و جایگزینی آن با قصد به خطر انداختن حیات دیگری را به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد داده است.

واژگان کلیدی: تخریب کیفری، استفاده از مواد منفجره، حریق، قصد مقابله با حکومت اسلامی، انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، قصد به خطر اندازی حیات دیگری.

مقدمه

جرم تخریب ۱ در معنای عام کلمه شامل از بین بردن یا خسارت رساندن عمدی به مال متعلق به دیگری به وسیله‌ی حریق یا هر شیوه‌ی دیگری است. در واقع، مرتکب در هر یک از مصادیق جرایم تخریب، مالی که متعلق به دیگری است، را حسب مورد به‌طور کامل از بین می‌برد یا خسارتی به آن وارد می‌کند، درحالی‌که رفتار ارتكابی را از روی عمد انجام داده است؛ وسیله‌ی ارتکاب هم ممکن است ایجاد حریق باشد و یا وسیله و شیوه‌ی دیگر (E'temadi, 2022: 31). تخریب کیفری به دو گونه تقسیم‌پذیر است: «تخریب کیفری ساده» ۲ و «تخریب کیفری مشدد» ۳. تخریب کیفری مشدد دربرگیرنده‌ی آن دسته از جرایم تخریب است که مجازات مقرر برای آن‌ها شدیدتر از تخریب کیفری ساده است. چنین تشدید مجازاتی ممکن است به‌دلیل استفاده از وسایل خاصی مانند مواد منفجره برای ارتکاب جرم تخریب باشد، یا به علت قصد و یا انگیزه‌ی خاصی که مرتکب تخریب کیفری دارد. البته، در مواردی که مرتکب با استفاده از حرق اموال شخص دیگر را از بین ببرد یا به آن‌ها خسارت وارد آورد، با سایر مقتضیات از جمله قصد لازم، تخریب ارتكابی حسب مورد با عنوان «تخریب ساده» ۴ و «تخریب مشدد» ۵ خوانده می‌شود.

در نظام حقوقی انگلستان و ویلز، برطبق قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. ۶ که به‌مثابه‌ی قانونی برای بازنگری قوانین انگلستان و ویلز در خصوص جرایم تخریب مال تصویب شده است، ۷ دو عامل تشدیدکننده‌ی جرم تخریب کیفری عبارت‌اند از: استفاده از حریق و قصد به خطر اندازی حیات دیگری. افزون بر این، انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، برطبق قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ م. ۸، به‌منزله‌ی عامل مشدده‌ی جرم (از جمله تخریب کیفری) در نظر گرفته شده‌اند. این در حالی است که بررسی رویکرد نظام حقوقی ایران روشن می‌سازد که قصد و یا انگیزه‌های مذکور به‌طور شایسته‌ای مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار نگرفته است. در عوض، قصد مقابله با حکومت اسلامی به‌مثابه‌ی عاملی برای تشدید مجازات جرم تخریب لحاظ شده است.

بنابراین، از رهگذر مقایسه‌ی رویکردی که نظام‌های حقوقی یادشده در این خصوص اتخاذ کرده‌اند، باید به این پرسش پاسخ داده شود که، در حقوق ایران، هرگاه احراز شود که جرم تخریب با قصد به خطر اندازی حیات دیگری و یا با انگیزه‌های نژادی یا مذهبی ارتکاب یافته است، تعیین مجازات از سوی مرجع قضایی ایرانی چگونه است؟ فرض بر این است که مرجع قضایی ایرانی در تعیین مجازات برای جرم تخریب در حالت‌های یادشده با نوعی سردرگمی مواجه است و اختیارات محدودی دارد.

پیش از آن باید دانست که، در انگلستان و ویلز، عدالت کیفری جهت ارائه‌ی رویکردی سازگار با طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی که تحت پوشش دسته‌ی تخریب کیفری قرار می‌گیرد، تقلا کرده است. در این زمینه، برخی خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از تحریق ذکر شده‌اند: گردهم‌آیی پیشگیری از تحریق (۲۰۱۷) ۹ ۴۷ مورد مرگ که از آتش‌سوزی‌های عمدی ۱۰ در انگلستان در سال گذشته منتج شده، همچنین در حدود ۱۰۰۰ صدمه و هزینه‌ی اقتصادی تحریق که حدود ۱/۴۵ میلیارد پوند برآورد شده، را محاسبه کرده است. در مواجهه با این سطح از خسارت و صدمه، استدلال برخلاف رویکرد عدالت کیفری مبتنی بر مجازات ۱۱ دشوار است (Noel, 2020: 117 & 118).

بر این اساس، پس از تبیین مفهوم عوامل مشدده‌ی جرم و بررسی پیشینه‌ی قانون‌گذاری آن‌ها در مورد جرم تخریب، مصادیق عوامل مشدده‌ی جرم تخریب جداگانه تحلیل می‌شوند تا نقص‌های قانون‌گذاری کیفری در این زمینه در نظام‌های حقوقی مورد بحث آشکار شود.

1. Offence of criminal damage
2. Simple criminal damage
3. Aggravated criminal damage
4. Simple arson
5. Aggravated arson
6. Criminal Damage Act 1971
7. An Act to revise the law of England and Wales as to offences of damage to property
8. Crime and Disorder Act 1998
9. The Arson Prevention Forum (2017)
10. Deliberate fires
11. Criminal justice approach based on punishment

۱. تبیین مفهوم عوامل مشدده‌ی جرم

اصطلاح «عوامل مشدده» ترکیب اضافی‌ای است که از دو کلمه‌ی «عوامل (جمع عامل)» و «مشدده» تشکیل شده است. «عامل» در لغت به معنای آنچه یا آن که کار، رویداد و یا چیزی را به وجود می‌آورد یا در به وجود آوردن آن نقش دارد، آمده است (Anvari et. al., 2014: V. 5/4959). و «مشدده» به معنای تشدیدکننده یا شدت بخشنده است (Anvari et. al., 2014: V. 7/7036). اما «عامل مشدده‌ی جرم»، در اصطلاح حقوق کیفری، به واقعیت یا موقعیتی اطلاق می‌شود که درجه‌ی مسئولیت یا سرزنش پذیری به خاطر عمل مجرمانه را افزایش می‌دهد (Garner, 2015: 213). حقوق دانان ایرانی به‌طور معمول عوامل تشدیدکننده‌ی جرم (و مجازات) را به دو دسته‌ی عوامل (کیفیات) مشدده‌ی خاص و عوامل (کیفیات) مشدده‌ی عام تقسیم می‌کنند. عوامل دسته‌ی اخیر که شامل از جمله تعدد و تکرار جرم می‌شوند، جهات کلی هستند که به جرم معینی اختصاص ندارند و با هر جرمی که همراه شوند، موجب تشدید مجازات آن جرم می‌شوند؛ درحالی‌که عوامل دسته‌ی نخست ناظر بر اوضاع و احوالی می‌باشند که، در صورت وجود آن‌ها در جرم معینی، باعث تشدید مجازات آن جرم در مقایسه با حالت ساده‌ی آن می‌شوند. در این موارد، قانون‌گذار عوامل موردنظر را باعث خطرناکی بیش‌تر جرم قلمداد کرده، و بر مبنای آن، مجازات را هم تشدید کرده است (Pourbafarani, 2023: 163; Heydari, 2015: 236). بر این اساس، باید در نظر داشت که، در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز، وجود برخی عوامل، از جمله استفاده از مواد منفجره و یا حریق، موجب تشدید مجازات جرم تخریب می‌شود. اکثر عوامل موردنظر در زمره‌ی عوامل مشدده‌ی خاص جرم تخریب قرار می‌گیرند، گرچه تشدید مجازات این جرم بر مبنای انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، در انگلستان و ویلز، از عوامل مشدده‌ی عام جرم قلمداد می‌شود.

۲. پیشینه‌ی قانون‌گذاری عوامل مشدده‌ی جرم تخریب

در حقوق کیفری ایران، مصادیق مختلف از تخریب کیفری نخست به‌موجب قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جرم‌انگاری شدند. در این قانون، برطبق ماده‌ی ۲۵۸، ارتکاب جرایم تخریب به‌وسیله‌ی بمب یا مواد محترقه موجب‌ی برای تشدید مجازات تلقی شده بود. افزون بر این، به‌موجب مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مذکور، در مواردی که شخصی حاصل دیگری را می‌چراند یا تاکستان یا باغ میوه‌ی یا نخلستان کسی را خراب می‌کرد یا به‌واسطه‌ی سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن بود یا با اقدام‌های و وسایل دیگر خشک می‌کرد و یا باعث تضییع آن می‌شد، و جرم ارتكابی در شب واقع شده بود و مرتکبان سه نفر یا بیش‌تر بودند و یا این که کمتر بوده، ولی لاقل یکی از آن‌ها حامل سلاح بود، تشدید مجازات مرتکبان را در پی داشت. بعدها که قانون تعزیرات ۱۳۶۲ به تصویب رسید، بعضی از عوامل مشدده‌ی مشابه، شامل استفاده از بمب یا مواد محترقه برای احراق یا تخریب اموال در ماده‌ی ۱۲۶ این قانون و آتش زدن یا تخریب اموال با قصد مقابله با حکومت اسلامی، به‌طوری‌که مرتکب از مصادیق محاربه و افساد فی‌الارض به شمار آید، ۲ و به‌تبع آن، کیفر محارب را متحمل شود، مطابق با تبصره‌ی ماده‌ی اخیر، پیش‌بینی شدند.

در حقوق کیفری انگلستان و ویلز، مقررات کاملاً عموماً ایراد خسارت به اموال دیگری را به‌عنوان یک موضوع حقوقی ۳ تلقی می‌کردند که ممکن بود به پرداخت غرامت منتهی شود. برای نمونه، در مورد خسارت‌هایی که احتمال داشت که به اموال منقول دیگری وارد آید، درحالی‌که مال موردنظر در تصرف مالک بود، از قبیل شکار گوزن شخص، تیراندازی به سگ‌های او، مسموم کردن گاو و بدتر ساختن وضعیت اموال منقول وی نسبت به قبل، دو گونه جبران خسارت در قوانین در نظر گرفته شده بود:

یکی با طرح دعوا در خصوص تعدی با سلاح، ۴ جایی که عمل ارتكابی به‌خودی‌خود بلافاصله به اموال دیگری خسارت وارد می‌آورد، و درنتیجه، به‌طور ضروری با درجه‌ای از زور ۵ همراه بود؛ و دیگری، با طرح دعوی ویژه در خصوص مورد، در شرایطی که خسارت ناشی از عمل ارتكابی تبعی ۶ بوده و لذا بدون هرگونه نقض صلح ایجاد شده باشد. در هر کدام از دعاوی یادشده، خواهان ۷ متناسب با خسارتی که ثابت می‌کرد که به اموالش وارد آمده است، غرامت دریافت می‌کرد. تفاوتی هم نداشت که خسارت توسط خود متهم یا خادم او با راهنمایی متهم ایراد شده باشد،

1. Aggravating circumstance/factor

۲. باید خاطرنشان کرد که محاربه و افساد فی‌الارض در سال ۱۳۶۲ ناظر بر عنوان مجرمانه‌ی واحدی بود، نه دو عنوان مجرمانه‌ی مستقل که هم‌اکنون در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده‌اند. مواد ۱۹۶ تا ۲۱۱ قانون حدود و قصاص و مقررات آن ۱۳۶۱ مؤید مطلب مذکور است.

3. A civil matter

4. Trespass vi et armis

5. Degree of force

6. Consequential

7. Plaintiff

زیرا که دعوا علیه هم مخدوم^۱ و هم خادم^۲ اقامه می‌شد. و هرگاه شخصی سگ یا حیوان وحشی دیگری را نگهداری می‌کرد تا جهت آسیب‌رسانی به کار گیرد، صاحب حیوان بایستی به خاطر عواقب آن پاسخگو باشد، مشروط بر این که از وضعیت حیوان آگاه بوده باشد (Blackstone, 2016/III: 120).

درواقع، دخالت حقوق کیفری محدود به موارد آتش زدن عمدی مال غیرمنقول متعلق به دیگری بود. در این راستا، اعمال مجرمانه‌ای که در طول قرن دوازدهم میلادی با مرگ یا قطع عضو کیفر داده می‌شدند، عبارت بودند از: خیانت به کشور،^۳ اخفای گنجینه،^۴ نقض صلح پادشاه،^۵ قتل،^۶ «تحریق»،^۷ سرقت مقرون به آزار،^۸ تجاوز جنسی^۹ و جعل^{۱۰} (Baker, 2019: 541). تحریق که در زمره «جرایم علیه محل‌های سکونت افراد»^{۱۱} طبقه‌بندی می‌شد، از واژه‌ی لاتین *Ab ardendo* در معنای «به آتش کشیدن»^{۱۲} برگرفته شده و در یک تعریف اصطلاحی عبارت بود از آتش زدن با سوءنیت و تعمدی خانه یا بناهای فرعی شخص دیگری.^{۱۳} جرم مذکور نسبت به عموم مردم بسیار زیان‌بارتر از سرقت ساده^{۱۴} قلمداد می‌شد، چرا که جرمی علیه حق سکونت به شمار می‌آمد، به‌طور ضروری همراه با وحشت^{۱۵} و تشویش^{۱۶} بود، و با احراق، خود آن چیز هم از بین می‌رفت (Blackstone, 2016/IV: 146).

تحریق اغلب نابودکننده‌تر از حتی قتل عمد^{۱۷} محسوب می‌شد، به این دلیل که قتل عمد هراندازه هم که بی‌رحمانه باشد، دامن‌های آن به‌ندرت فراتر از عمل جنایت‌کارانه‌ی طراحی‌شده^{۱۸} گسترش می‌یافت، درحالی که حریق غالباً افرادی ناشناخته که قصد آسیب‌رسانی به آن‌ها وجود نداشت و دوستان و دشمنان را دربرمی‌گرفت. به همین دلیل، به آتش کشیدن با سوءنیت خانه‌ها در شهرها با کیفر مرگ پاسخ داده می‌شد. باید در نظر داشت که نه‌تنها خانه‌ی مسکونی، بلکه تمامی ساختمان‌های فرعی که بخشی از آن بودند، گرچه متصل به آن و در یک ساختمان نبودند، از قبیل انبارهای علوفه و اصطبل‌ها، می‌توانستند موضوع جرم تحریق قرار گیرند. مطابق با کامن‌لای، آتش زدن انبار پر از علف خشک یا غلات در یک مزرعه، هرچند که قسمتی از خانه‌ی مسکونی نبود، جنایت^{۱۹} به شمار می‌آمد. به همین ترتیب، سوزاندن یک خروار غلات به‌طور کامل تحریق محسوب می‌شد. البته، آتش زدن لازم بود که با سوءنیت^{۲۰} باشد، وگرنه، تجاوز ملکی^{۲۱} قلمداد می‌شد؛ در نتیجه، هیچ بی‌احتیاطی^{۲۲} یا بدبختی^{۲۳} برابر با تحریق نبود (Blackstone, 2016/IV: 146 & 147).

در سال ۱۸۶۱ م، به‌منظور ادغام و اصلاح قوانین مرتبط با خسارت‌های با سوءنیت به اموال،^{۲۴} قانون تخریب با سوءنیت ۱۸۶۱ م.^{۲۵} به تصویب رسید. این قانون مصادیق گوناگونی از جرایم تخریب و تحریق را زیر عناوین کلی‌ای پیش‌بینی کرد که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: «خسارت‌ها بر اثر آتش‌سوزی ساختمان‌ها و اموال موجود در آن‌ها»،^{۲۶} هم‌چون آتش زدن کلیسا یا معبد^{۲۷} (ماده‌ی ۱)، به آتش کشیدن خانه، بنای فرعی،

1. Master
2. Servant
3. Treason
4. Concealment of treasure trove
5. Breach of the king's peace
6. Homicide
7. Arson
8. Robbery
9. Rape
10. Forgery
11. Offences against the habitations of individuals
12. Burning
13. The malicious and wilful burning of the house or outhouses of another man
14. Simple theft
15. Terror
16. Confusion
17. Murder
18. Felonious act designed
19. Felony
20. Malicious
21. Trespass
22. Negligence
23. Mischance
24. Malicious Injuries to Property
25. Malicious Damage Act 1861
26. Injuries by fire to buildings, and goods therein
27. Setting fire to a church or chapel

کارخانه، ساختمان سر مزرعه و غیره ۱ (ماده‌ی ۳) و یا آتش زدن هر ایستگاه راه‌آهن ۲ (ماده‌ی ۴)؛ و «خسارت‌ها به ساختمان‌ها و اموال موجود در آن‌ها با مواد منفجره»، ۳ نظیر از بین بردن یا خسارت وارد آوردن به خانه‌ای با باروت که هر شخصی در آن باشد ۴ (ماده‌ی ۹). قانون یادشده در طول سال‌های بعد به‌موجب برخی مقررات دیگر دستخوش اصلاحاتی شد، ۵ ولی مسائلی نظیر تعداد زیاد جرایم در قانون مذکور، هم‌پوشی آن با بعضی از قوانین دیگر هم‌چون قانون مواد منفجره ۱۸۸۳ م. ۶ و قانون حملیت از حیوانات ۱۹۱۱ م. ۷ مجازات‌های گوناگونی که پیش‌بینی می‌کرد و عنصر روانی پیچیده ۸ که با استفاده از واژه‌های تخصصی وصف شده بود، باعث شدند که کمیسیون حقوقی ۹ پیشنهادهایی به‌منظور بازنگری اساسی در قانون تخریب با سوءنیت ۱۸۶۱ م. ارائه بدهد. در نتیجه، قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. که هم‌اکنون در خصوص جرایم تخریب لازم‌الاجرا است، در راستای رفع نقص‌های موردنظر به تصویب رسید. مفاد مقررهای مرتبط از قانون اخیر در ادامه به مناسبت بررسی می‌شوند.

اما انگیزه‌های نژادی، در انگلستان و ویلز، نخست در چارچوب قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ م. به‌مثابه‌ی عامل مشدده پیش‌بینی شدند. یکی از عوامل مهمی که به جرم‌انگاری جرایم مشدد در این قانون منتهی شد، نگرانی در مورد رشد فزاینده‌ی خشونت نژادی بود که پیرو هیاهوی رسانه‌ها در پی برخی پرونده‌های جنجالی تشدید شد. افزون بر این، ترس از حمله‌ها با انگیزه‌های مذهبی پس از واقعه‌ی یازدهم سپتامبر به تسری این مقررات به چنین مواردی در قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت ۲۰۰۱ م. ۱۰ انجامید (See Clarkson, 2005: 185 & 186). به‌طوری‌که ماده‌ی ۳۹ این قانون، با اصلاح قانون پیش‌گفته، انگیزه‌های مذهبی را در کنار انگیزه‌های نژادی به‌عنوان عامل مشدده پذیرفت. در سال‌های بعد، ماده‌ی ۱۴۵ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ م. ۱۱ نیز بر این امر تأکید کرد که اگر جرم ارتكابی از لحاظ نژادی یا مذهبی تشدید شده باشد، دادگاه رسیدگی‌کننده باید این واقعیت را به‌عنوان عامل مشدده محسوب کند. ۱۲

سرانجام، با تصویب قانون تعیین مجازات ۲۰۲۰ م. ۱۳ که مجموعه‌ی قوانین تعیین مجازات ۱۴ را به وجود آورده و مقررهای قانونی که دادگاه در زمان تعیین مجازات برای مجرم به آن‌ها ارجاع می‌دهد، را یکجا جمع کرده است، نحوه‌ی تعیین (تشدید) مجازات دستخوش اصلاحاتی شده است. البته، افرادی که در اول دسامبر ۲۰۲۰ م. یا بعد از آن به جرمی محکوم شوند، قطع‌نظر از زمانی که مرتکب جرم شده‌اند، به‌موجب قانون تعیین مجازات ۲۰۲۰ م. محکوم خواهند شد، اما کسانی که پیش از تاریخ یادشده به جرمی محکوم شوند، مطابق با قوانین سابق، نظیر قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری (تعیین مجازات) ۲۰۰۰ م. ۱۵ و قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ م. مورد تعیین مجازات قرار می‌گیرند، حتی اگر تعیین مجازات در تاریخ مذکور یا پس از آن صورت گیرد. ۱۶

در مقابل، در ایران، اگرچه قوانین کیفری پیشین، انگیزه‌ی شرافتمندانه در ارتکاب را به‌منزله‌ی یکی از جهات تخفیف تلقی می‌کردند، ۱۷ مقررهای قانونی خاص یا عامی وجود نداشت که به انگیزه‌های شریرانه، از قبیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، پرداخته باشد. به دیگر سخن، در صورت احراز وجود انگیزه‌های شریرانه در ارتکاب جرم تخریب، مجازات مرتکب تشدید نمی‌شد، زیرا اساساً چنین مواردی از جهات تشدید مجازات قلمداد نمی‌شدند.

1. Setting fire to a house, outhouse, manufactory, farm building, &c.
2. Setting fire to any railway station
3. Injuries by explosive substances to buildings and goods therein
4. Destroying or damaging a house with gunpowder, any person being therein
5. See Statute Law Revision (No. 2) Act 1893, Criminal Justice Administration Act 1914, Criminal Justice Act 1948, Malicious Damage Act 1964, Criminal Law Act 1967
6. Explosive Substances Act 1883
7. Protection of Animals Act 1911
8. Complicated mental element
9. Law Commission
10. Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001
11. Criminal Justice Act 2003
12. See S. 145 (2) of the Act
13. Sentencing Act 2020
14. Sentencing Code
15. Powers of Criminal Courts (Sentencing) Act 2000
16. See Circular No. 2020/03, Ministry of Justice, 25 November 2020

۶. برای نمونه، ر.ک. بند ۳ ماده‌ی ۴۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و یا بند ۳ ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

۳. تحلیل عوامل مشدده در جرم تخریب

در نظام‌های کیفری ایران، انگلستان و ویلز، عواملی که موجب تشدید مجازات جرم تخریب می‌شوند، حسب مورد عبارت‌اند از: استفاده از مواد منفجره/حریق، قصد به خطر اندازی حیات دیگری/مقابله با حکومت اسلامی و انگیزه‌های نژادی یا مذهبی. این عوامل مشدده برحسب پیوندی که با عنصر مادی و یا عنصر روانی جرم تخریب (یا انگیزه‌ی مرتکب) دارند، به دو دسته‌ی زیر تقسیم‌پذیر هستند.

۱.۳. عوامل مشدده‌ی مبتنی بر عنصر مادی

در حقوق ایران، استفاده از مواد منفجره، و در حقوق انگلستان و ویلز، «صرف» به‌کارگیری حریق برای ارتکاب تخریب کیفری موجب تشدید مجازات مرتکب آن خواهد شد. ناگفته پیداست که استفاده از وسیله یا شیوه‌ی خاصی برای ارتکاب جرم (در اینجا، تخریب کیفری) با عنصر مادی آن پیوند دارد. بر این اساس، عوامل یادشده جداگانه بررسی می‌شوند.

۱.۱.۳. استفاده از مواد منفجره برای ارتکاب تخریب کیفری (ایران)

در حقوق کیفری ایران، برطبق ماده‌ی ۶۷۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، هرگاه جرایم مندرج در مواد ۶۷۶ (تخریق ساده) ۱ و ۶۷۷ (تخریب کیفری ساده) ۲ از همان قانون به‌وسیله‌ی «مواد منفجره» واقع شده باشند، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس (تعزیر درجه‌ی پنج) است. این مقرر که عامل مشدده‌ای را برای مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ از قانون مذکور پیش‌بینی کرده، بر پایه‌ی خسارت‌های زیاده‌تری که ممکن است تخریب کیفری با مواد منفجره ۳ به بار آورد، وضع شده است. بدیهی است که چنین پیامدی خطرهای بیش‌تری برای نظم و امنیت عمومی جامعه به وجود می‌آورد.

باید متذکر شد که «مواد منفجره» ۴ به موادی گفته می‌شود که در ساختمان مولکولی‌شان اکسیژن کافی برای سوختن آن‌ها وجود دارد، به ضربه، اصطکاک و حرارت به‌شدت حساس می‌باشند، بر اثر تحریک با سرعت ۲۰۰۰ تا ۹۰۰۰ متر بر ثانیه وارد واکنش انفجاری می‌شوند و انرژی بسیار بالایی که با انفجار همراه باشد، آزاد می‌کنند. ۵ اطلاق عبارت «مواد منفجره» در ماده‌ی ۶۷۸ حاکی از این است که تفاوتی ندارد که مرتکب از چه نوع ماده‌ی منفجره‌ای برای ارتکاب جرم تخریب و یا تخریق ساده استفاده کند.

در این خصوص، باید دانست که مواد منفجره به‌طور معمول به دو دسته تقسیم می‌شوند: «مواد منفجره‌ی نظامی» که در ساخت محصولات نظامی به کار می‌روند، از قبیل تی‌ان‌تی و سی‌چهار (C4)؛ و «مواد منفجره‌ی غیرنظامی» که در فعالیت‌های استخراج معدن و طرح‌های عمرانی استفاده می‌شوند و برخی نمونه‌های آن‌ها عبارت‌اند از: انواع باروت سیاه، فتیله‌ی انفجاری و دینامیت (E'temadi, 2022: 95 & 96). در صورتی که متهم یکی از انواع مواد منفجره‌ی نظامی یا غیرنظامی را برای ایجاد حریق، تخریب، اتلاف و یا از کار انداختن اشیای موردنظر به کار گرفته باشد، مشمول تشدید مجازات به شرح مقرر در ماده‌ی ۶۷۸ خواهد شد. در چنین وضعیتی، تخریب کیفری به دلیل به‌کارگیری وسیله‌ی معینی (مواد منفجره) به تخریب کیفری مشدد تبدیل می‌شود.

ناگفته نماند که ساخت مواد منفجره، هم‌چنین خریداری، نگهداری و یا حمل غیرمجاز آن‌ها، جرم مستقلی است. ۷ بنابراین، اگر کسی اقدام به

۱. ماده‌ی ۶۷۶ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ اعلام می‌دارد: «هر کس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۲. ماده‌ی ۶۷۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ (اصلاحی ۱۳۹۹) مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً اشیای منقول و یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از سه ماه تا یک سال و نیم [و] در صورتی که میزان خسارت وارده یک‌صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد، به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد».

3. Criminal damage by explosives

4. Explosives

5. S 1 (O) of the Implementing Regulations of the Punishment of Weapons and Ammunition Smuggling and Owners of Illegal Weapons and Ammunition Act 2013

۶. البته، تقسیم‌بندی مواد منفجره از روی خواص فیزیکی، شیمیایی و هم‌چنین نحوه‌ی اثر آن‌ها نیز صورت می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان از مواد منفجره‌ی مشتمل بر ترکیب‌های یکنواخت (مانند سلولز نیترات)، ترکیب‌های مخلوط (نظیر دینامیت)، مواد منفجره‌ی بدوی (از قبیل جیوه‌ی انفجاری)، گرده‌ای کم دود و مواد آتش‌بازی یاد کرد (Balazadeh, 2013: 220 & 221).

7. See SS 11 & 12 of the Punishment of Weapons and Ammunition Smuggling and Owners of Illegal Weapons and Ammunition Act 2011

یکی از اعمال مجرمانه‌ی اخیر کند، و سپس، با استفاده از همان مواد منفجره مرتکب تخریب یا تحریق اشیای متعلق به دیگری شود، عمل ارتكابی مشمول ضوابط تعدد جرم است. تشخیص گونه‌ی تعدد جرم بستگی به وقایع پرونده و حالت ذهنی متهم دارد؛ توضیح بیش‌تر این‌که چنانچه شخص مرتکب عنصر مادی جرایم مورد بحث شود و از عنصر روانی لازم برای آن‌ها به‌طور مستقل برخوردار باشد، دو جرم انجام داده است، و در نتیجه، مشمول قواعد تعدد رفتاری می‌شود، در حالی‌که اگر وی اعمالی مانند ساخت، خریداری و یا نگهداری مواد منفجره را صرفاً به‌منظور استفاده در تخریب یا تحریق اشیای مورد نظر مرتکب شده باشد، اعمال مزبور مقدمه‌ی تخریب کیفری تلقی می‌شوند و لذا تنها به خاطر جرم غایی تعقیب و محاکمه خواهد شد.

۱.۲.۳. تخریب کیفری به‌وسیله‌ی حریق (انگلستان و ویلز)

در حقوق کیفری انگلستان و ویلز، ماده‌ی ۴ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. که مجازات جرایم تخریب را پیش‌بینی کرده است، اعلام می‌دارد: «(۱) شخص مقصر به تحریق مطابق با ماده‌ی ۱ بالا [ناظر بر از بین بردن یا خسارت وارد آوردن به مال دیگری به‌وسیله‌ی حریق در بند (۳)] ... باید در محکومیت برحسب کیفرخواست ۱ مشمول حبس ابد شود؛ (۲) شخص مقصر به هر جرم دیگری طبق این قانون باید در محکومیت برحسب کیفرخواست مشمول حبس برای مدتی شود که متجاوز از ده سال نباشد».

باید توجه داشت که حبس ابد به‌موجب بند (۱) ماده‌ی ۴ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. در حالی اعمال می‌شود که تنها فرق بین جرم تخریب ساده (بند (۱) ماده‌ی ۱ قانون یادشده) و تحریق (بند (۳) همان ماده) این است که تخریب کیفری به‌وسیله‌ی «حریق» صورت می‌گیرد. از این‌رو، کمیسیون حقوقی در یکی از گزارش‌های خود پیشنهاد لغو جرم مجزای تحریق را داده، ولی پارلمان با چنین پیشنهادی موافقت نکرده است. یک دلیل حفظ اتهام تحریق، خواست عمومی برای بدنام کردن متهمی است که مال متعلق به غیر را آتش می‌زند. ۳ دلیل دیگر این است که آتش‌سوزی‌ها اغلب توسط افراد دیوانه به راه انداخته می‌شوند، لذا باید از جامعه در مقابل آن‌ها حمایت گردد. دیدگاه مخالف در این زمینه استدلال می‌کند که اشخاص مبتلا به جنون آتش‌افروزی ۴ بنابر تعریف نمی‌توانند مانع خودشان برای ایجاد آتش‌سوزی شوند و زندان بعید است که آن‌ها را درمان کند (Jefferson, 2015: 594).

افزون بر این، اطلاق عبارت «هر جرم دیگری» در بند (۲) ماده‌ی بالا حاکی از این است که تمامی جرایم پیش‌بینی‌شده در قانون مورد بحث که زیر عنوان تحریق قرار نگیرند، از جمله جرم تخریب ساده (بند (۱) ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م.)، تهدید به از بین بردن یا خسارت رساندن به مال ۵ (ماده‌ی ۲ قانون مذکور) و دارا بودن هر شیئی با قصد از بین بردن یا خسارت رساندن به مال با آن ۶ (ماده‌ی ۳ همان قانون)، در محکومیت برحسب کیفرخواست مشمول حداکثر ده سال حبس می‌باشند. بنابراین، روشن می‌شود که به‌کارگیری حریق برای از بین بردن یا خسارت وارد آوردن به مال متعلق به دیگری باعث تشدید مجازات است. بدیهی است که ایجاد حریق ممکن است با به‌کارگیری وسایل مختلفی، از جمله مواد منفجره، صورت گیرد.

۲.۳. عوامل مشدده‌ی مبتنی بر عنصر روانی (یا انگیزه)

دسته‌ی دیگری از عوامل مشدده‌ی جرم (و مجازات) جرم تخریب حسب مورد با عنصر روانی مرتکب و یا انگیزه‌ی او از ارتکاب تخریب کیفری پیوند دارد. این عوامل مشدده در زیر توضیح داده می‌شوند.

۱. این گونه‌ی خاص از محکومیت که معادل انگلیسی آن Conviction on indictment است، مربوط به جرایم قابل کیفرخواست می‌شود، یعنی جرایم شدیدی که در دادگاه جنایی و با حضور هیأت‌منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند (See Huxley-Binns et. al., 2017: 298).

2. Section 4 of the Criminal Damage Act 1971 provides:

“(1) A person guilty of arson under section 1 above ... shall on conviction on indictment be liable to imprisonment for life;

(2) A person guilty of any other offence under this Act shall on conviction on indictment be liable to imprisonment for a term not exceeding ten years”.

۳. در کتاب مقدس (عهد جدید) آمده است: مراقب باش! یک جرقه‌ی کوچک ممکن است آتش بزرگی به پا کند.

Behold! How great a matter a little fire kindleth (New Test).

4. Pyromaniacs

5. Threats to destroy or damage property

6. Possessing anything with intent to destroy or damage property

۲.۳.۱. احراز قصد به خطر اندازی حیات دیگری/مقابله با حکومت اسلامی در جرم تخریب

برخی حقوق دانان انگلیسی، جرم تخریب را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: تخریب کیفری عادی ۱ و تخریب کیفری خطرناک ۲ (Herring, 2019: 247-252). در خصوص گونه‌ی اخیر از جرم تخریب، قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی در بند (۲) ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. مقرر می‌دارد:

«شخصی که بدون عذر قانونی هرگونه مال، اعم از این که متعلق به خودش باشد یا دیگری، را از بین ببرد یا خسارت وارد آورد:

(الف) درحالی که قصد از بین بردن یا خسارت رساندن به هرگونه مال را دارد یا نسبت به این که آیا هرگونه مالی از بین می‌رود یا خسارت می‌بیند، بی‌پروا باشد؛ و

(ب) با از بین بردن یا خسارت رساندن، قصد به خطر اندازی حیات دیگری را داشته باشد یا درباره‌ی این که آیا حیات دیگری با این کار به خطر می‌افتد یا خیر، بی‌پروا باشد؛

مقصر به جرم خواهد بود» ۳.

پیش از همه باید خاطرنشان کرد که، طبق بند (۳) ماده‌ی ۱ قانون بالا، هرگاه تخریب مال به وسیله‌ی حریق ارتکاب یابد، زیر عنوان تحریق (در اینجا تحریق مشدد) مورد اتهام قرار می‌گیرد. افزون بر این، اجزای سازنده‌ی عنصر مادی و عنصر روانی تخریب کیفری با قصد به خطر اندازی حیات دیگری، به‌ویژه از حیث مفهوم مال، از بین بردن و یا خسارت رساندن به آن، عمدتاً مشابه با تخریب کیفری ساده است (See Allen & Edwards, 2019: 603-609; Kyd et. al.: 2020: 1085 & 1088). باوجوداین، برخی نکته‌های پُراهمیت در بند (۲) ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. به شرح زیر درخور توجه هستند:

اول، در تخریب کیفری با قصد به خطر اندازی حیات دیگری، مال موضوع جرم لازم نیست متعلق به دیگری باشد، و درواقع، این جرم ممکن است با از بین بردن یا خسارت رساندن به مال متعلق به خود نیز ارتکاب یابد ((See Merrick [1995] Crim LR 802 (CA)). برای نمونه، متهمی که خانه‌اش را آتش می‌زند، اما از روی بی‌پروایی فراموش می‌کند که هنوز افرادی داخل خانه بوده‌اند، ممکن است به خاطر تخریب کیفری مورد بحث تعقیب و محاکمه شود (Herring, 2018: 604). عبارت «اعم از این که متعلق به خودش باشد یا دیگری»، در قسمت ابتدایی بند (۲) ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م.، به‌وضوح دلالت بر این امر دارد. بر این اساس، برخی حقوق دانان انگلیسی و ویلز اظهار داشته‌اند که این امر انعکاس‌دهنده‌ی این واقعیت است که جرم مشدده‌ی مورد بحث به معنای واقعی کلمه جرمی مالی نیست، بلکه جرمی مبتنی بر به خطر انداختن علیه اشخاص ۴ است (Child et. al., 2022: 702).

دوم، از لحاظ عنصر روانی، قسمت (ب) بند (۲) ماده‌ی ۱ قانون مزبور روشن می‌سازد که چنین تخریب کیفری مشدده‌ی هم‌چنین مستلزم احراز «قصد به خطر اندازی حیات دیگری» بر اثر تخریب کیفری یا «بی‌پروا بودن» در مورد آن است. این جزء از عنصر روانی که به‌منزله‌ی «قصد خاص اضافی» ۵ محسوب می‌شود، باید افزون بر قصد خاص در چارچوب قسمت (الف) بند یادشده به اثبات برسد. توضیح بیش‌تر این که عنصر روانی در بخش قصد خاص متشکل از دو شاخه است: اولین شاخه این که متهم قصد از بین بردن یا خسارت رساندن به مال را داشته یا از جهت آن بی‌پروا بوده باشد؛ و دومین شاخه این که متهم از قصد خاص اضافی به شرح بالا برخوردار بوده باشد (Bird, 2019: 292).

در پرونده‌ی *بِلک* [۲۰۱۰]، ۶ پنج سال حبس به خاطر جرم تحریق که با بی‌پروایی نسبت به این که آیا حیات به خطر می‌افتد یا خیر، ارتکاب یافته بود، تأیید شد. شرح ماجرا این بود که مجرم، در لحظه‌ای از دیوانگی، خانه‌ای با یک دیوار مشترک که در آن زندگی می‌کرد، را به آتش کشید. زوجه‌اش که به‌تازگی از او جدا شده بود، به مرکز خدمات اضطراری خبر داد. مجرم نجات یافت، ولی خسارت زیادی به اموال وارد شد. در پرونده‌ی مشابهی به نام *ماسترسون* [۲۰۱۰] ۷ نیز چهار سال حبس به‌عنوان مجازات متناسب در نظر گرفته شد.

1. Ordinary criminal damage

2. Dangerous criminal damage

3. Section 1 (2) of the Criminal Damage Act 1971 provides: “A person who without lawful excuse destroys or damages any property, whether belonging to himself or another —

(a) intending to destroy or damage any property or being reckless as to whether any property would be destroyed or damaged; and
(b) intending by the destruction or damage to endanger the life of another or being reckless as to whether the life of another would be thereby endangered;

shall be guilty of an offence”.

4. An endangerment-based offence against the person

5. Additional specific intent

6. *Black* [2010] 2 Cr App R (S) 583

7. *Masterson* [2010] 1 Cr App R (S) 114

باید در نظر داشت که لازم نیست ثابت شود، از بین بردن یا خسارت رساندن به مال در عمل موجب به خطر افتادن حیات دیگری شده است. در پرونده‌ی *سنگا* [۱۹۸۸]، ۱ متهم برخی صندلی‌ها را در یک آپارتمان به آتش کشید و موجب شد که کل آپارتمان بسوزد و با خاک یکسان شود. وی به تحریق با قصد به خطر اندازی حیات دیگری محکوم شد، به‌رغم این‌که در حقیقت (بدون آن‌که متهم اطلاع داشته باشد) هیچ‌کسی در خانه نبود و لذا هیچ‌گونه خطری برای افراد نداشت. از آنجاکه شخص متعارف تصور می‌کرده که خطری وجود داشته است که زندگانی اشخاص به مخاطره افتد، محکومیت متهم با مانعی مواجه نبوده است.

سوم، لازم است ارتباطی میان از بین بردن یا خسارت رساندن به مال و قصد یا بی‌پروایی در مورد به خطر اندازی حیات دیگری وجود داشته باشد. چنین ارتباطی در پرونده‌ی *ونتون* [۲۰۱۰] ۲ به اثبات نرسید. متهم آجری را از پنجره پرتاب کرد که سبب خسارت به مال شد. وی بعد از آن قوطی بنزینی را همراه با کاغذ آتش گرفته‌ای در داخل آن از پنجره‌ی شکسته‌شده پرت کرد، درحالی‌که قصد به خطر انداختن حیات را داشت، اما قوطی بنزین موجب شعله‌ور شدن حریق نشد. عملی که سبب خسارت شد، به‌طور کامل از فعلی که به‌منظور به خطر انداختن حیات قصد گردید، مجزا بود و لذا جرم تخریب مشدد از تکاب نیافته بود.

درواقع، لازم است به خطر اندازی حیات دیگری به‌طور مستقیم از نابودی یا تخریب مال ناشی شده باشد، نه از عمل مستقلی که ممکن است چنین نتایجی را در پی داشته باشد. در پرونده‌ی *استیر* [۱۹۸۸]، ۳ متهم به خانه‌ی شریک تجاری سابقش که نسبت به او کینه داشت، رفت و چندین گلوله به طرف خانه شلیک کرد، به‌طوری‌که پنجره‌ی اتاق خواب را شکست. هیچ صدمه‌ای وارد نشد. وی در چارچوب بند (۲) ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م، بی‌تقصیر شناخته شد. بند مذکور تنها در صورتی اعمال می‌شود که تخریب مال سبب به خطر افتادن حیات شده باشد، درحالی‌که خطر در این پرونده ناشی از شلیک گلوله‌ها بود، نه خسارت به اموال. مفاد قسمت (ب) بند مذکور نیز مؤید چنین برداشتی است.

چهارم، با توجه به بند (۱) ماده‌ی ۵ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م، دفاع‌های خاص مقرر در این ماده نسبت به تخریب کیفری با قصد به خطر اندازی حیات اعمال نمی‌شوند، زیرا که اعتقاد به رضایت مالک یا لزوم حفاظت فوری از مال (به‌عنوان دفاع‌های خاص) توجیه‌کننده‌ی به خطر اندازی حیات انسان نیست. بر این اساس، عبارت «بدون عذر قانونی» در قسمت ابتدایی بند (۲) ماده‌ی ۱ قانون مذکور ناظر بر دفاع‌های عام ۴ مانند دفاع شخصی ۵ یا اگر اه ۶ است (Child & Ormerod, 2021: 397). برای مثال، خسارت رساندن به اموال در مقام دفاع از خود طبق قانون، ۷ تخریب کیفری محسوب نمی‌شود، حتی اگر جان متجاوز ۸ (یا احتمالاً شخص ثالث) را به خطر اندازد.

اما قانون‌گذار ایرانی قصد به خطر اندازی حیات را موجب تشدید مجازات جرم تخریب ندانسته است. ۹ با وجود این، ماده‌ی ۶۷۵ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، ضمن جرم انگاری احراق اموال، در تبصره‌ی ۱ اعلام می‌دارد که ارتکاب اعمال فوق در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت. در مورد این تبصره، دو مطلب درخور ذکر است: اول، عبارت «اعمال فوق در این فصل» مفهوم درستی ندارد، چرا که بایستی «اعمال مذکور در این فصل» یا «اعمال فوق» ذکر می‌شد (Mir-Mohammad Sadeghi, 2019: 540). به نظر می‌رسد که عبارت اخیر ترجیح داشته و لذا عبارت «در این فصل» زائد باشد. درواقع، منظور قانون‌گذار تنها اعمالی بوده است که به آتش‌سوزی در اموال مندرج در ماده‌ی ۶۷۵ قانون مورد بحث منجر شوند، به‌ویژه از آن‌رو که تعمیم مجازات محارب به تمامی اعمال مذکور در فصل بیست و پنجم از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به‌موجب تبصره‌ی ذیل یکی از مواد قانونی فصل یادشده با شیوه‌ی صحیح قانون‌نویسی هماهنگی ندارد.

1. *Sangha* [1988] 2 All ER 385 (CA); See also *Parker* [1993] Crim LR 856 (CA)

2. *Wenton* [2010] EWCA Crim 2361

3. *Steer* [1988] AC 111 (HL); Cf. *Webster* [1995] 2 All ER 168

4. General defences

5. Private defence

6. Duress

7. Lawful self-defence

8. Aggressor

۹. البته، ماده‌ی ۶۸۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در خصوص مواردی که جرم تخریب به نوعی از جنایت علیه دیگری منتهی شود، مقرر می‌دارد: «در تمام موارد مذکور در این فصل، هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام‌شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه، و در هر حال، به تأدیه‌ی خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد».

۱۰. ماده‌ی ۶۷۵ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ اشعار می‌دارد: «هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار، و به‌طور کلی، هر محل مسکونی یا معد برای سکونی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ...».

دوم، برطبق تبصره‌ی مورد بحث، اعمال حد محاربه ۱ بر مرتکب تنها مستلزم اثبات «قصد مقابله با حکومت اسلامی» است. قطع نظر از این که حکومت اسلامی درواقع، ناظر بر نظام جمهوری اسلامی ایران است، ولی عبارتی تفسیربردار ذکر شده است، برحسب ظاهر برای تشخیص این که عمل ارتكابی محاربه قلمداد می‌شود یا خیر، لازم نیست مقتضیات خاص جرم محاربه به شرح ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ازجمله کشیدن سلاح، جنبه‌ی عمومی داشتن رفتار ارتكابی و قصد ایجاد ناامنی در محیط، بررسی و احراز شود؛ امری که بی‌تردید انتقادهایی را به خود جلب می‌کند.

در این راستا، اظهار شده است که تحقق محاربه از دیدگاه اکثریت فقها همواره منوط به احراز شرایط اصلی آن، به‌ویژه قصد بر هم زدن امنیت عمومی و به‌کارگیری سلاح، بوده است؛ شرایطی که موجب می‌شوند که قلمرو این جرم محدود و محصور باشد. اما رویکرد قانون‌گذار حاکی از این است که تحقق محاربه با چنین محدودیت‌هایی روبرو نبوده، و درواقع، قانون‌گذار تحقق این جرم را بدون لزوم اثبات شرایط اصلی آن امکان‌پذیر دانسته است. یکی از دلایل چنین سیاست کیفری همانا اختلاط مفهوم محاربه با عناوین افساد فی الارض و بغی در قوانین کیفری است (Majidi, 2019: 120).

افزون بر این، قانون‌گذار ایرانی در ماده‌ی ۶۸۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر داشته است:

«هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و اُمتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود، چنانچه محارب شناخته نشوند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد».

به‌موجب قسمت انتهایی این ماده، در مواردی که مرتکبان محارب شناخته شوند، کیفر حدی محاربه بر آن‌ها تحمیل خواهد شد و نوبت به اعمال حبس تعزیری نمی‌رسد. در این راستا، باید خاطرنشان کرد که، مطابق با ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، محاربه عبارت از کشیدن سلاح با قصد جان، مال یا ناموس مردم و یا ارباب آن‌ها است، به‌نحوی که باعث ایجاد ناامنی در محیط شود. بر این اساس، هرگاه غارت‌گران و تلف‌کنندگان اموال دیگری دست به سلاح ببرند و موجب ناامنی در محیط شوند، با اثبات عنصر روانی لازم، ممکن است محارب شناخته شوند. با توجه به این که نهب و غارت اموال آشکارا و توأم با قهر و غلبه ارتكاب می‌یابد، در وضعیتی که مرتکبان سلاح بکشند، احراز عنصر مادی محاربه با دشواری چندانی روبرو نمی‌شود.

باین حال، تنها شخص یا اشخاصی که مبادرت به کشیدن سلاح اعم از گرم یا سرد کرده باشند، محارب تلقی شوند، زیرا که این عمل درواقع، رفتار مجرمانه‌ی محاربه است و لذا کسانی که چنین رفتاری را انجام نداده باشند، محارب نیستند. به عبارت دیگر، تحمیل کیفر حدی و سنگین محاربه بر اشخاصی که قسمتی از عنصر مادی این جرم را مرتکب نشده و صرفاً به غارت و اتلاف اموال پرداخته‌اند، به‌طوری که چه‌بسا موجب ایجاد ناامنی در محیط هم نشده باشند، پذیرفتنی نیست (E'temadi, 2022: 142).

از این گذشته، ماده‌ی ۶۸۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، ضمن جرم انگاری خراب‌کاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده‌ی عمومی، ۲ در تبصره‌ی ۱ اعلام می‌دارد: «در صورتی که اعمال مذکور به‌منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت». تلقی محاربه از اقدام‌های مورد نظر با برخی مصادیق مذکور در ماده، از قبیل تخریب علائم راهنمایی و رانندگی، سازگار نیست و گرچه خود ماده رفاه عمومی را در نظر داشته و پیش‌بینی مجازات در راستای تأمین رفاه شهروندان صورت گرفته است، ولی به نظر می‌رسد که در تبصره‌ی ماده‌ی یادشده، قانون‌گذار حمایت از «حکومت اسلامی» را در نظر داشته و احتمالاً رفاه شهروندان را برای حمایت از حکومت اسلامی ضروری دانسته است (Alipour & Kargari, 2019: 209).

افزون بر این، قطع نظر از این که احراز چنین قصد خاصی ممکن است با دشواری‌هایی مواجه باشد، ولی تحمیل حد محاربه بر پایه‌ی صرفاً «حالت ذهنی» مرتکب توجیه‌پذیر نیست، زیرا که جرم محاربه باید متشکل از عنصرهای سازنده‌ی دیگری، به‌ویژه کشیدن سلاح به‌عنوان رفتار

۱. ماده‌ی ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اعلام می‌دارد: «حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: الف- اعدام؛ ب- صلب؛ پ- قطع دست راست و پای چپ؛ ت- نفی بلد». ماده‌ی ۲۸۳ همان قانون نیز اضافه می‌کند که انتخاب هر یک از مجازات‌های چهارگانه‌ی مذکور به اختیار قاضی است.

۲. «هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده‌ی عمومی، از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آن‌ها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آن‌ها که به هزینه یا سرمایه‌ی دولت یا با سرمایه‌ی مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده‌ی عمومی ایجاد شده و هم‌چنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به‌منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خراب‌کاری دیگر شود، بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. ...».

مجرمانه، نیز باشد، درحالی که تحقق جرم خراب کاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده‌ی عمومی مستلزم استفاده از سلاح نیست. بر این اساس، اظهار شده است که، در وضع کنونی و با توجه به مقررات قانونی، چنین رفتاری با رعایت مفاد ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ازجمله گستردگی عمل ارتكابی، مصداق افساد فی الارض خواهد بود (Aghaeinia & Rostami, 2021: 159).

رویکرد قانون گذار ایرانی به شرح بالا در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ نیز یافت می‌شود. از یک طرف، ماده‌ی ۹۳ این قانون، ۱ ضمن جرم انگاری تخریب وسایل و تأسیسات نظامی، در تبصره‌ی ۱ مقرر می‌دارد: «در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت یا اخلاخل در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) یا شکست جبهه‌ی اسلام باشد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌گردد». از طرف دیگر، ماده‌ی ۹۴ همان قانون اعلام داشته است: «هر نظامی که غیر از موارد یادشده در ماده‌ی ۹۳ این قانون، عمداً سایر اموالی را که در اختیار نیروهای مسلح است، آتش بزند یا تخریب یا تلف کند یا دیگری را وادار به آن نماید، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و اگر عمل وی موجب اخلاخل در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه‌ی اسلام گردد، به مجازات محارب محکوم می‌شود».

مقایسه‌ی مواد قانونی اخیر روشن می‌سازد که قانون گذار ایرانی در تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۹۳ قانون بالا صرف قصد به شرح مزبور را باعث تحمیل مجازات محاربه دانسته، حال آن که در ماده‌ی ۹۴ همان قانون بر لزوم تحقق نتیجه‌ی دیگری (غیر از تخریب اموال) تأکید کرده است. به عبارت دیگر، مقررات تبصره‌ی مزبور مقید به حصول نتیجه نبوده و ارتكاب جرم با قصد موارد یادشده موجب اعمال کیفر محارب خواهد شد (Yazdaniyan, 2011: 263). در این خصوص، اظهار شده که، در تبصره‌ی مورد بحث، مؤلفه‌ی بنیادین پارادایم تسامح صفر (یعنی سرکوب) به منصفی ظهور رسیده است (Golduzian et. al., 2012: 207).

اما باید خاطرنشان کرد که، مطابق با ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۳، جرم محاربه مقید به ایجاد ناامنی در محیط است، لذا تحمیل کیفرهای حدی این جرم، با صرف احراز قصد سلب امنیت کشور، در معرض انتقاد جدی قرار می‌گیرد. درواقع، برای این که شخصی محارب تلقی شود، لازم است قصد ایجاد ناامنی در محیط داشته و در عمل نیز موجب برهم خوردن امنیت جامعه شده باشد. ضمن این که، همان طور که اشاره شد، کشیدن سلاح به عنوان رفتار مجرمانه‌ی محاربه باید انجام گرفته باشد. این در حالی است که تخریب وسایل و تأسیسات نظامی یا سایر اموال در اختیار نیروهای مسلح مستلزم به کارگیری سلاح نیست.

۲.۲.۳. ارتكاب تخریب کیفری با انگیزه‌های نژادی و یا مذهبی

در حقوق انگلستان و ویلز، نوع خاصی از تخریب کیفری مشدد وجود دارد که با عنوان «تخریب کیفری به لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد» ۲ از آن یاد می‌شود. به موجب ماده‌ی ۳۰ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ م. اگر شخصی مرتکب جرمی طبق بند (۱) ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م. شود که از لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد ۳ است، در محکومیت اختصاری ۴، مشمول حبس برای مدتی که متجاوز از شش ماه نباشد یا جزای نقدی که از حداکثر قانونی تجاوز نکند و یا هر دو مجازات خواهد بود، و در محکومیت بر حسب کیفرخواست، متحمل حبس برای مدتی که بیش تر از چهارده سال نشود یا جزای نقدی و یا هر دو مجازات خواهد شد.

ماده‌ی ۲۸ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ م. هم به تبیین مفهوم «از لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد» پرداخته است. مطابق با بند (۱) این ماده، تخریب کیفری ارتكابی در صورتی از لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد است که مجرم در زمان ارتكاب تخریب یا بلافاصله پیش یا پس از ارتكاب آن نسبت بزه دیده، بر مبنای عضویت (یا عضویت مفروض انگاشته شده‌ی) او در گروه نژادی یا مذهبی، خصوصت ۵ بروز داده باشد، یا در مواردی که

۱. ماده‌ی ۹۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ اشعار می‌دارد: «هر نظامی که عمداً تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده‌ی مورد استفاده‌ی نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه یا مهمات یا مواد منفجره را آتش بزند یا تخریب کند یا از بین ببرد یا دیگری را وادار به آن نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود».

2. Racially or religiously aggravated criminal damage

3. Racially or religiously aggravated

۴. این نوع خاص از محکومیت که معادل انگلیسی آن Summary conviction است، ناظر بر رسیدگی به جرایم اختصاری (خفیف ترین دسته از جرایم در انگلستان و ویلز) است که در دادگاه صلح انجام می‌گیرد. محاکمه در دادگاه صلح (برخلاف دادگاه جنایی) بدون حضور هیأت منصفه صورت می‌گیرد (Martin, 2022: 212 & 213; Carr & Jahnson, 2017: 39 & 40).

5. Hostility

تخریب ارتكابی به‌تمامی یا تا اندازه‌ای بنابر خصوصیت نسبت به اعضای گروه نژادی یا مذهبی، ۱ بر مبنای عضویت‌شان در آن گروه، برانگیخته شده باشد. مفاد این ماده حاکی از این است که هرگاه مرتکب خصوصیت نژادی یا مذهبی خود را نسبت به بزه‌دیده آشکار کند، یا انگیزه‌ی او در ارتکاب تخریب کیفری همانا دلایل نژادی یا مذهبی باشد، تخریب کیفری مشدد (به لحاظ نژادی یا مذهبی) تحقق می‌یابد. افزایش مجازات‌ها به علت انگیزه‌های مذکور را می‌توان به‌طور کلی بر اساس تأیید مجدد و تقویت ارزش‌های اجتماعی مدارا و احترام به تنوع گروه‌های نژادی و یا مذهبی، و به‌طور خاص تر به‌منزله‌ی نشان دادن تأثیر تحقیرآمیز رفتارهای ارتكابی بر جرم دیدگان، توجیه کرد. اعم از این که پارلمان حق داشته باشد که تعداد انگشت‌شماری از جرایم خاص از لحاظ نژادی و مذهبی تشدید شده را تصویب کند یا خیر، اصل کلی تشدید مجازات بر اساس چنین دلایلی به‌طور قطع صحیح است و با اصل متناسب بودن تعیین مجازات سازگاری دارد (Ashworth & Kelly, 2021: 148).

بنابراین، در پرونده‌ی جانستون [۲۰۰۶]، ۳ مجازات شش سال حبس در مؤسسه‌ی بزه‌کاران جوان به خاطر تخریب کیفری به لحاظ نژادی مشدد به‌صورت ایراد خسارت به سنگ‌های قبر در یک گورستان یهودی، همراه با سایر جرایم از لحاظ نژادی مشدد، ۴ تأیید شد. شصت و دو سنگ‌قبر شکسته شده یا به زمین انداخته شده بودند و خسارت وارده ۱۰۰/۰۰۰ پوند تخمین زده شد. قاضی اشاره کرد که مجازات جرم اصلی سه سال حبس بوده است و سه سال دیگر برای انعکاس عامل مشدده‌ی نژادی اضافه می‌شود. دادگاه تجدیدنظر متذکر شد که این پرونده مشتمل بر تعدادی از خصیصه‌های مشدده‌ی سطح بالا بوده و به‌وضوح برآورد شده بود که حداکثر اندوه را برای خانواده‌های کسانی که قبرهای آن‌ها هدف قرار گرفته، به بار آورده است.

اما برخی اصطلاح‌های به‌کاررفته در بند (۱) ماده‌ی ۲۸ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ م. لازم است به‌اختصار شرح داده شوند. «عضویت» ۵، در ارتباط با گروه نژادی یا مذهبی، شامل هم‌نشینی با اعضای آن گروه می‌شود و «مفروض انگاشته‌شده» ۶ به معنای فرض‌شده توسط مرتکب است؛ ۷ «گروه نژادی» ۸ یعنی گروهی از افراد که با توجه به نژاد، رنگ پوست، ملیت (شامل شهروندی) یا اصل و نسب ملی یا قومی معلوم می‌شوند؛ ۹ و «گروه مذهبی» ۱۰ در معنای گروهی از افراد است که با توجه به اعتقاد مذهبی یا فقدان اعتقاد مذهبی ۱۱ متمایز می‌شوند، ۱۲ از قبیل مسلمانان و پیروان آیین راستا فاری ۱۳ (اعتقاد به این که سیاهان قوم برگزیده‌ی خداوند هستند). در پرونده‌ی دادستان علیه /م [۲۰۰۴]، ۱۴ متهم که درگیر اختلاف بر سر پرداخت در کبابی ترکی بود، پنجره‌ای را در جریان مشاجره شکست و کلمه‌های «خارجی‌های لعنتی» را زیر لب زمزمه کرد. این جرم به‌عنوان تخریب کیفری از لحاظ نژادی مشدد مورد اتهام قرار گرفت و دادگاه بخش مقرر داشت که کلمه‌های «خارجی‌های لعنتی» از قابلیت توصیف گروه نژادی با اشاره به ملیت برخوردار بوده و کلمه‌ی «لعنتی» خصوصیت را نشان می‌دهد است.

در حقوق ایران، در قوانین کیفری فعلی، مقرره‌ی خاصی یافت نمی‌شود که انگیزه‌های شریانه، از قبیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، را به‌منزله‌ی عامل مشدده در نظر گرفته باشد. ۱۵

با این‌همه، با لحاظ مفاد قسمت اخیر ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان پذیرفت که دادگاه رسیدگی‌کننده هم‌اکنون مجاز است که انگیزه‌ی شریانه‌ی مرتکب را در تعیین مجازات تعزیری در نظر بگیرد. در قسمت اخیر ماده‌ی مذکور مقرر شده است: «... دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

1. Members of a racial or religious group
2. Principle of proportionality in sentencing
3. Johnston [2006] 1 Cr App R (S) 665
4. Racially aggravated offences
5. Membership
6. Presumed
7. See S. 28 (2) of the Crime and Disorder Act 1998
8. Racial group
9. S. 28 (4) of the Crime and Disorder Act 1998
10. Religious group
11. Religious belief or lack of religious belief
12. S. 28 (5) of the Crime and Disorder Act 1998, inserted by S. 39 (4) of the Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001
13. Rastafarians
14. DPP v M [2004] EWHC 1453 (Admin)

۱۵. باوجود این، در پیش‌نویس لایحه‌ی تعزیرات که نسخه‌ی اخیر آن از سوی معاونت حقوقی و امور مجلس قوه‌ی قضائیه در زمستان ۱۴۰۳ تدوین شده، بند (ح) ماده‌ی ۱۴ «ارتکاب جرم به لحاظ ملیت، نژاد، قومیت یا مذهب بزه دیده» را از جهات تشدید مجازات قلمداد کرده است.

الف. انگیزه‌ی مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم ...».

توضیح بیشتر این که، اطلاق واژه‌ی انگیزه در بند (الف) این ماده دلالت بر آن دارد که مقصود قانون‌گذار صرفاً انگیزه‌های شرافتمندانه در ارتکاب جرم نبوده، بلکه به انگیزه‌های شریرانه نیز توجه داشته است. فراتر از این، حتی ممکن است بتوان ادعا کرد که اطلاق واژه‌ی یادشده اعتناپذیر نیست و غرض قانون‌گذار فقط انگیزه‌های سوء بوده است، زیرا، از یک طرف، انگیزه‌های شرافتمندانه طبق بند (پ) ماده‌ی ماده ۳۸ قانون مزبور از جهات تخفیف به شمار می‌آیند، و از طرف دیگر، مطابق با تبصره‌ی ۲ ماده‌ی اخیر، هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد قانونی خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات مجازات را دوباره تخفیف دهد. بنابراین، با توجه به این که بندهای چهارگانه‌ی ماده‌ی ۱۸ قانون بالا در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها هستند و لزوماً زیر عنوان جهات تخفیف قرار نمی‌گیرند، این که دادگاه لازم است انگیزه‌ی مرتکب را در صدور حکم تعزیری مورد توجه قرار دهد، برحسب قاعده ناظر بر انگیزه‌های شریرانه است و هیچ ضرورتی وجود ندارد که دو ماده از قانون مورد بحث به‌طور مشابهی به انگیزه‌های شرافتمندانه اختصاص پیدا کنند.

۴. چگونگی تعیین مجازات در جرم تخریب با احراز یکی از عوامل مشدوده

در نظام کیفری ایران، ضوابط خاصی برای تعیین (تشدید) مجازات در جرم تخریب پیش‌بینی نشده و دادرس در چارچوب همان عنصر قانونی جرایم تخریب حکم صادر می‌کند، ولی در نظام کیفری انگلستان و ویلز، در مواردی که یکی از عوامل مشدوده‌ی پیش‌گفته احراز شود، نحوه‌ی تعیین (تشدید) مجازات در جرم تخریب تابع ضوابط خاصی است. بند (۱) ماده‌ی ۵۹ قانون تعیین مجازات ۲۰۲۰ م. اعلام می‌دارد که هر دادگاهی باید در تعیین مجازات برای مجرم ۲ از هرگونه رهنمون‌های تعیین مجازات ۳ که مرتبط با پرونده‌ی مجرم باشد، تبعیت کند، مگر این که دادگاه رسیدگی‌کننده متقاعد شود که انجام این کار مغایر با مصلحت‌های عدالت ۴ است. بر این اساس، شورای تعیین مجازات ۵ در چارچوب مفاد ماده‌ی ۱۲۰ قانون پزشکان قانونی و عدالت ۶ م. ۲۰۰۹ رهنمون‌هایی قطعی درباره‌ی جرایم تخریب صادر کرده است که از ۱ اکتبر ۲۰۱۹ م. لازم‌الاجرا شده‌اند. ۷ رهنمون‌های مذکور در خصوص جرایم تخریب کیفری از قرار زیر می‌باشند:

- تحریق (تخریب کیفری با حریق): ۸ بندهای ۱ و ۳ از ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱ م؛

- تخریب کیفری (جز با آتش) که متجاوز از ۵/۰۰۰ پوند تقویم نشود: ۹ بند (۱) ماده‌ی ۱ قانون مذکور؛

- تخریب کیفری (جز با آتش) که متجاوز از ۵/۰۰۰ پوند تقویم شود: ۱۰ بند (۱) ماده‌ی ۱ همان قانون.

با توجه به رهنمون اول، تحریق جرمی از دو جهت محاکمه‌شدنی ۱۱ است؛ حداکثر کیفر در مواردی که به‌طور اختصاری ۱۲ رسیدگی می‌شود، شش ماه حبس است، حال آن که حداکثر مجازات در شرایطی که برحسب کیفرخواست ۱۳ بررسی می‌گردد، حبس ابد است. دادگاه رسیدگی‌کننده برای تعیین مجازات متناسب در مرحله‌ی اول باید طبقه‌ی جرم ۱۴ را با لحاظ دو مؤلفه‌ی سرزنش‌پذیری ۱۵ و صدمه ۱۶ مشخص

۱. انگیزه‌ی شرافتمندانه به‌طور معمول به حالتی اطلاق می‌شود که شخص در دفاع از عرض، ناموس، آبرو و شرافت خود مرتکب جرم می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که در این بند از ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معنای عام‌تری مُراد است، و درواقع، هر انگیزه‌ی نیکویی مدنظر است که محرک جرم می‌شود، هرچند مربوط به امور شرافتی به معنای حقیقی نباشد (Zera't, 2014: 164).

2. Sentencing an offender

3. Sentencing guidelines

4. Interests of justice

5. Sentencing Council

6. Coroners and Justice Act 2009

7. Available at:

<https://www.sentencingcouncil.org.uk/sentencing-and-the-council/about-sentencing-guidelines/about-published-guidelines/arson-and-criminal-damage/>

8. Arson (criminal damage by fire)

9. Criminal damage (other than by fire) value not exceeding £5,000

10. Criminal damage (other than by fire) value exceeding £5,000

11. Triable either way

12. Summarily

13. On indictment

14. Offence category

15. Culpability

16. Harm

کند. در این راستا، مواردی نظیر حمله‌ی انتقام‌جویانه، ۱ استفاده از تسریع‌کننده ۲ و قصد ایراد خسارت بسیار شدید به اموال ۳ باعث سرزنش‌پذیری سطح بالا ۴ و خصیصه‌ای هم‌چون بی‌پروایی درباره‌ی این‌که نوعی خسارت به مال وارد می‌شود یا خیر، ۵ موجب سرزنش‌پذیری کمتر ۶ خواهد بود. سطح صدمه‌ی واردشده نیز در سه دسته ارزیابی می‌شود: دسته‌ی یک دربرگیرنده‌ی صدمه‌ی جسمانی و/یا روانی شدید واردشده، ۷ تأثیر جدی اقتصادی یا اجتماعی تبعی از جرم ۸ و بهای زیاد خسارت واردشده ۹ است؛ دسته‌ی دو شامل صدمه‌ای است که بین دسته‌های یک و سه قرار گیرد؛ و دسته‌ی سه ناظر بر صدمه‌ی جسمانی و/یا روانی اندک واردشده یا نبود آن ۱۰ و بهای کم خسارت واردشده ۱۱ است.

اما مرحله‌ی دوم مربوط به نقطه‌ی آغازین و طیف دسته ۱۲ است. توضیح بیش‌تر این‌که دادگاه پس از تعیین طبقه‌ی جرم در مرحله‌ی پیشین لازم است از نقطه‌ی آغازین مجازات که در طیف دسته‌ی جرم مقرر شده است، برای صدور حکم استفاده کند. برای نمونه، هرگاه تحریق ارتكابی در دسته‌ی یک قرار گیرد و متهم مشمول سرزنش‌پذیری سطح بالا شود، نقطه‌ی آغازین مجازات چهار سال حبس است که ممکن است بین دو تا هشت سال تغییر داده شود. این در حالی است که اگر تحریق ساده در دسته‌ی سه قرار گیرد و مرتکب سرزنش‌پذیری کمتری داشته باشد، مستحق قرار اجتماعی سطح پایین ۱۳ خواهد بود که ممکن است بین آزادی ۱۴ و قرار اجتماعی سطح بالا ۱۵ در نوسان باشد. قرارهای اخیر به ترتیب شامل الزام‌هایی نظیر ۴۰ تا ۸۰ ساعت و ۱۵۰ تا ۳۰۰ ساعت کار رایگان می‌شوند.

بالاخره، در مراحل سوم تا نهم، بررسی هر عاملی که کاهش مجازات را ایجاد کند، از قبیل مساعدت به دادستان؛ ۱۶ تقلیل کیفر به خاطر اظهار به تقصیر؛ ۱۷ خطرناکی جرم؛ اصل کلیت ۱۸ (ناظر بر پرونده‌های تعدد یا تکرار تخریب کیفری)؛ قرارهای فرعی و جبران خسارت؛ ۱۹ دلایل جرم؛ و بررسی زمان سپری‌شده در آزادی به قید ضمانت ۲۰ مورد توجه دادگاه رسیدگی‌کننده، اعم از دادگاه صلح ۲۱ یا دادگاه جنایی، ۲۲ قرار می‌گیرد.

اما در خصوص تخریب کیفری مشدد در چارچوب بندهای (۲) و (۳) از ماده‌ی ۱ قانون تخریب کیفری ۱۹۷۱م. که مجازات آن در ماده‌ی ۴ همان قانون حبس ابد پیش‌بینی شده است، شورای تعیین مجازات «رهنمون قطعی تحریق/تخریب کیفری با قصد به خطر انداختن حیات یا بی‌پروایی در مورد این‌که آیا حیات به خطر می‌افتد» ۲۳ را صادر کرده که از ۱ اکتبر ۲۰۱۹م. لازم‌الاجرا شده است ۲۴ و دادگاه رسیدگی‌کننده طبق بند (۱) ماده‌ی ۵۹ قانون تعیین مجازات ۲۰۲۰م. لازم است در تعیین مجازات برای مجرم از آن تبعیت کند. به‌موجب رهنمون یادشده، تخریب کیفری مشدد جرمی محاکمه‌شدنی صرفاً برحسب کیفرخواست ۲۵ است و حداکثر مجازات آن حبس ابد است.

1. Revenge attack
2. Use of accelerant
3. Intention to cause very serious damage to property
4. High culpability
5. Recklessness as to whether some damage to property caused
6. Lesser culpability
7. Serious physical and/or psychological harm caused
8. Serious consequential economic or social impact of offence
9. High value of damage caused
10. No or minimal physical and/or psychological harm caused
11. Low value of damage caused
12. Starting point and category range
13. Low level community order
14. Discharge
15. High level community order
16. Assistance to prosecution
17. Guilty plea
18. Totality principle
19. Compensation and ancillary orders
20. Bail
21. Magistrates' court
22. Crown court
23. The definitive guideline on arson/criminal damage with intent to endanger life or reckless as to whether life endangered
24. Available at: <https://www.sentencingcouncil.org.uk/offences/crown-court/item/criminal-damage-arson-with-intent-to-endanger-life-or-reckless-as-to-whether-life-endangered/>
25. Triable only on indictment

دادگاه رسیدگی کننده که در مرحله‌ی اول باید طبقه‌ی جرم را با لحاظ دو مؤلفه‌ی سرزنش‌پذیری و صدمه تعیین کند، با دو گونه‌ی سرزنش‌پذیری (الف) ۱ (در شرایطی که مجرم قصد به خطر انداختن حیات را داشته باشد) و سرزنش‌پذیری (ب) ۲ (در مواردی که مجرم درباره‌ی این که آیا حیات به خطر می‌افتد یا خیر، بی‌پروا بوده باشد) سروکار خواهد داشت، ولی سطح صدمه‌ی وارد شده بار دیگر در سه دسته ارزیابی می‌شود: دسته‌ی یک دربرگیرنده‌ی مواردی نظیر صدمه‌ی جسمانی و/یا روانی بسیار شدید وارد شده ۳ و بهای بسیار زیاد خسارت وارد شده ۴ است؛ دسته‌ی دو شامل تمامی صدمه‌های دیگری است که بین دسته‌های یک و سه قرار گیرند؛ و دسته‌ی سه ناظر بر ازجمله صدمه‌ی جسمانی و/یا روانی اندک وارد شده یا نبود آن و بهای کم خسارت وارد شده است.

اما مرحله‌ی دوم مربوط به نقطه‌ی آغازین و طیف دسته است. در این مرحله، دادگاه پس از تعیین طبقه‌ی جرم در مرحله‌ی پیشین لازم است از نقطه‌ی آغازین مجازات که در طیف دسته‌ی جرم مقرر شده است، برای صدور حکم استفاده کند. برای مثال، هرگاه صدمه‌ی ناشی از تخریب ارتكابی در دسته‌ی یک قرار گیرد و متهم مشمول سرزنش‌پذیری (الف) شود، نقطه‌ی آغازین مجازات هشت سال حبس است که ممکن است بین پنج تا دوازده سال تغییر داده شود. این در حالی است که اگر صدمه‌ی ناشی از تخریب کیفری در دسته‌ی سه قرار گیرد و تخریب‌کننده مشمول سرزنش‌پذیری (ب) باشد، مستحق یک سال حبس است که ممکن است بین قرار اجتماعی سطح بالا و دو سال و شش ماه حبس در نوسان باشد. قرار اخیر شامل الزام‌هایی مانند ۱۵۰ تا ۳۰۰ ساعت کار رایگان می‌شود. سرانجام، در مراحل سوم تا نهم، بررسی هر عاملی که کاهش مجازات را ایجاب کند، از قبیل مساعدت به دادستان؛ تقلیل کیفر به خاطر اظهار به تقصیر؛ خطرناکی جرم؛ اصل کلیت (ناظر بر پرونده‌های تعدد یا تکرار تخریب کیفری)؛ قرارهای فرعی و جبران خسارت؛ دلایل جرم؛ و بررسی زمان سپری‌شده در آزادی به قید ضمانت مورد توجه دادگاه جنایی قرار می‌گیرد.

در رویه‌ی قضایی انگلستان و ویلز می‌توان از در پرونده‌ی تی [۲۰۱۰] ۵ یاد کرد که در آن مدت‌های حبس چهار ساله، سه ساله و دو ساله درباره‌ی افراد جوان ۱۶، ۱۵ و ۱۳ ساله‌ای تأیید شدند که سنگ‌ها و آجرهایی را به طرف وسایل نقلیه‌ای پرتاب کردند که در جاده‌ی شلوغی در حال تردد بودند. یازده وسیله‌ی نقلیه خسارت دیدند، و سپس، تصادفی رخ داد که دو خودرو در آن باهم برخورد کردند و راننده‌ی یکی از آن‌ها گشته شد.

سرانجام، مرجع قضایی انگلیسی و ویلز لازم است از برخی رهنمون‌های تعیین مجازات برای تخریب کیفری به لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد نیز تبعیت کند. این موارد در رهنمون‌های پیش‌گفته درباره‌ی تخریب کیفری ساده درج شده و برحسب این که خسارت وارد شده متجاوز از ۵۰۰۰ پوند باشد یا نباشد، تفکیک شده‌اند. در اینجا، باید اضافه کرد که مرحله‌ی سوم از مراحل تعیین مجازات متناسب در رهنمون‌های یاد شده به تنها جرایم تخریب کیفری از لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد ۶ اختصاص یافته است. بر این اساس، پس از تعیین طبقه‌ی جرم اصلی برای تشخیص کیفر جرم نامشدد ۷ دادگاه باید سطح عامل مشدده‌ی نژادی یا مذهبی که دخیل است، را در نظر گیرد، و برطبق برخی عوامل فهرست شده، افزایش متناسبی را برای مجازات اعمال کند. عوامل فهرست شده در رهنمون‌های بالا در سه سطح پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از: سطح بالای عامل مشدده‌ی نژادی یا مذهبی ۸، سطح متوسط عامل مشدده‌ی نژادی یا مذهبی ۹ و سطح پایین عامل مشدده‌ی نژادی یا مذهبی ۱۰.

برای نمونه، هرگاه عامل مشدده‌ی نژادی یا مذهبی انگیزه‌ی غالب جرم بوده ۱۱ یا مجرم عضو گروه ترویج‌کننده‌ی خصومت بر مبنای نژاد یا مذهب بوده یا با آن گروه همدست بوده باشد، ۱۲ با سطح بالا از عامل مشدده‌ی مورد بحث منطبق خواهد بود، که در این صورت، چنانچه دادگاه پیش‌ازین کیفر حبس را برای جرم اصلی در نظر گرفته باشد، لازم است مدت آن را افزایش بدهد، ولی در صورتی که مجازات حبس را برای جرم اصلی تعیین نکرده باشد، باید مجازات حبس را در نظر گیرد. در مواردی هم که رکن مشدده بخش ناچیزی از جرم به‌عنوان یک کل را تشکیل

1. Culpability A

2. Culpability B

3. Very serious physical and/or psychological harm caused

4. Very high value of damage caused

5. T [2010] 1 Cr App R (S) 377

6. Racially or religiously aggravated criminal damage offences only

7. Non-aggravated offence

8. High level of racial or religious aggravation

9. Medium level of racial or religious aggravation

10. Low level of racial or religious aggravation

11. Racial or religious aggravation was the predominant motivation for the offence

12. Offender was a member of, or was associated with, a group promoting hostility based on race or religion

دهد، ۱ با سطح پایین از عامل مشددهی نژادی یا مذهبی تطبیق پیدا می‌کند، و در نتیجه، دادگاه رسیدگی‌کننده می‌باید مجازات سنگین‌تری از همان نوع مشخص‌شده برای جرم اصلی را در نظر گیرد. در هر حال، قاضی تعیین‌کنندهی مجازات ۲ باید در دادگاه علنی ۳ اظهار دارد که جرم ارتكابی به دلیل نژاد یا مذهب ۴ مشدد است و همچنین اعلام کند که چه مجازاتی بدون عامل مشدده مورد حکم قرار می‌گرفته است. در این زمینه، دادگاه تجدیدنظر ۵ در پروندهی *ساندرز* [۲۰۰۰] ۶ به‌جمال بیان داشت که، در زمان تعیین مجازات برای گونه‌ی از لحاظ نژادی مشدد جرم، قاضی تعیین‌کنندهی کیفر مجاز است به‌طور مفیدی مجازات متناسب برای جرم را در غیاب عامل مشددهی نژادی تعیین کند، و سپس، مدت بیش‌تر را به خاطر رکن نژادی اضافه نماید.

۵. وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ویلز

نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ویلز، در زمینه‌ی عوامل مشددهی جرم تخریب، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند که در جدول زیر به تصویر کشیده می‌شوند:

وجوه افتراق و اشتراک نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ویلز
الف. استفاده از مواد منفجره/حریق
در نظام کیفری ایران، استفاده از هرگونه مواد منفجره برای ارتكاب جرم تخریب، بر پایه‌ی خسارت‌های زیادتری که ممکن است به بار آورد عامل مشددهی تخریب کیفری ساده قلمداد شده، درحالی‌که، در نظام کیفری انگلستان و ویلز، صرف استفاده از حریق برای ارتكاب تخریب کیفری موجب تحمیل کیفر حبس ابد است. وجه اشتراک این دو رویکرد آن است که ایجاد حریق عمدی ممکن است با به‌کارگیری نوعی از مواد منفجره انجام گیرد.
ب. احراز قصد به خطر اندازی حیات دیگری/مقابله با حکومت اسلامی
در حقوق انگلستان و ویلز، احراز قصد به خطر اندازی حیات دیگری عاملی است که باعث تشدید مجازات جرم تخریب، در مقایسه با تخریب کیفری ساده، می‌شود. در مقابل، در حقوق ایران، قصد مقابله با حکومت اسلامی (و اخلاف در نظم و امنیت جامعه) موجب می‌گردد که جرم تخریب کیفر محاربه را در پی داشته باشد. وجه اشتراک رویکردهای مذکور این است که محارب نیز ممکن است قصد جان مردم یا ارباب آن‌ها را داشته باشد.
پ. انگیزه‌های نژادی و یا مذهبی
در انگلستان و ویلز، هرگاه مرتکب در زمان ارتكاب تخریب یا بلافاصله پیش یا پس از ارتكاب آن نسبت به بزه‌دیده، بر مبنای عضویت (یا عضویت مفروض انگاشته‌شده) او در گروه نژادی یا مذهبی، خصومت بروز داده باشد، یا در مواردی که تخریب ارتكابی به‌تمامی یا تا اندازه‌ای بنابر خصومت نسبت به اعضای گروه نژادی یا مذهبی، بر مبنای عضویت‌شان در آن گروه، برانگیخته شده باشد، مجازات جرم تخریب تشدید می‌شود. این در حالی است که هم‌اکنون مقرره‌ای برای تشدید مجازات جرم تخریب، به علت انگیزه‌های نژادی و یا مذهبی، در ایران یافت نمی‌شود.

1. Aggravated element formed a minimal part of the offence as a whole
2. Sentencer
3. Open court
4. By reason of race or religion
5. Court of Appeal
6. *Saunders* [2000] 1 Cr App R 458

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی عوامل مشدودوی جرم تخریب کیفری به شرح پیش گفته روشن می‌سازد که فرضیه‌ی اولیه‌ی این نوشتار، مبنی بر محدود بودن اختیارات مراجع قضایی، در شرایطی که تخریب کیفری با صرف قصد به خطر اندازی حیات دیگری و یا انگیزه‌های شریانه ارتکاب می‌یابد، به اثبات می‌رسد، چراکه دادرس ایرانی حداکثر مجاز است که چنین مواردی را در تعیین «مجازات تعزیری» در چارچوب ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ لحاظ کند. افزون بر این، برخی نقص‌ها در حقوق ایران، انگلستان و ویلز یافت می‌شود که، در راستای تعیین مجازات متناسب، لازم است رفع شوند. بر این اساس، موارد زیر حسب مورد به قانون‌گذار ایرانی، انگلیسی و ویلزی پیشنهاد می‌شود:

— حذف «صرف» قصد مقابله با حکومت اسلامی به عنوان معیاری برای تحقق محاربه (ایران): با توجه به این که در بسیاری از مواردی که ارتکاب جرم تخریب با دارا بودن قصد مقابله با حکومت اسلامی موجب تحمیل کیفر محاربه دانسته شده است، مقتضیات دیگر جرم اخیر، به ویژه سلاح کشیدن (به عنوان رفتار مجرمانه) و ایجاد ناامنی در محیط (به منزله‌ی نتیجه‌ی حاصله)، احرازشدنی نیست و لذا اعمال مجازات حدی جرم محاربه بر مرتکب در پرتو قوانین کیفری مبنای درستی ندارد، مناسب است که قانون‌گذار ایرانی تشخیص محاربه بودن یا نبودن عمل ارتكابی را به احراز مقتضیات خاص این جرم منوط کند، و در عوض، عامل دیگری، هم چون قصد به خطر انداختن حیات دیگری (مشابه با رویکرد نظام حقوقی انگلستان و ویلز)، را به مثابه‌ی عامل تشدید مجازات تعزیری جرم تخریب به شمار آورد.

— تصریح به انگیزه‌های نژادی و یا مذهبی به منزله‌ی عامل مشدودوی جرم تخریب (ایران): این پیشنهاد به دو صورت اعمال کردنی است: نخست، پیش‌بینی انگیزه‌های مذکور به طور خاص به مثابه‌ی عامل مشدودوی تخریب کیفری؛ و دوم، پیش‌بینی آن در میان جهات عام تشدید مجازات (هم چون در لایحه‌ی تعزیرات ۱۴۰۳ و نیز حقوق کیفری انگلستان و ویلز). در این زمینه، باید متذکر شد که انگیزه‌های شریانه به انگیزه‌های نژادی و یا مذهبی محدود نمی‌شوند. برای نمونه، انزجار مرتکب ممکن است هم چنین نسبت به جنسیت بزه‌دیده باشد. افزون بر این، مناسب است که قانون‌گذار ایرانی، همانند رویکرد اتخاذشده در مورد تخفیف قضایی در چارچوب مواد ۳۷ و ۳۸ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چگونگی تشدید مجازات را تابع ضوابط خاصی قرار دهد تا از صدور آرای کیفری متناقض جلوگیری شود.

— لغو مجازات حبس ابد برای تحریق، به جای لغو این جرم خاص، در غیر از مواردی که توأم با قصد به خطر انداختن حیات دیگری باشد (انگلستان و ویلز): هر چند که آتش زدن اموال ممکن است آثار شدیدتری در مقایسه با تخریب اموال با استفاده از وسایل دیگر داشته باشد، پیش‌بینی مجازات حبس ابد برای جرم تحریق همواره متناسب با جرم ارتكابی نخواهد بود. بنابراین، مناسب است که قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی، ضمن حفظ این عنوان مجرمانه‌ی مجزا، مجازات آن را تقلیل دهد، به طوری که اصل تناسب جرم و مجازات رعایت گردد.

References:

- Aghaeinia, Hossein and Rostami, Hadi (2021). *Crimes against the Public Interest of the Country*, First Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Alipour, Hassan and Kargari, Nowruz (2019). *Crimes against National Security*, Third Edition, Tehran, Khorsandi Publications. [In Persian]
- Allen, Michael J. and Edwards, Ian (2019). *Criminal Law*, Fifteenth Edition, Oxford, Oxford University Press.
- Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001.
- Anvari, Hassan et. al. (2014). *Great Dictionary of Sokhan*, Volumes 5 and 7, 8th Edition, Tehran, Sokhan Publications. [In Persian]
- Ashworth, Andrew and Kelly, Rory (2021). *Sentencing and Criminal Justice*, Oxford, Hart Publishing.
- Baker, Sir John (2019). *An Introduction to English Legal History*, Fifth Edition, Oxford, Oxford University Press.
- Balazadeh, Parviz (2013). *Descriptive Dictionary of Chemistry*, English-Persian, 3rd Edition, Tehran, Contemporary Culture Publications. [In Persian]
- Bird, Norman (2019). *Questions and Answers on Criminal Law in England and Wales*, Translated by Amir E'temadi, First Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Black* [2010] 2 Cr App R (S) 583.
- Blackstone, William (2016). *Commentaries on the Laws of England, Book III: Of Private Wrongs*, First Edition, Oxford, Oxford University Press.
- Blackstone, William (2016). *Commentaries on the Laws of England, Book IV: Of Public Wrongs*, First Edition, Oxford, Oxford University Press.
- Carr, Claudia and Jahson, Maureen (2017). *Beginning Criminal Law of England and Wales*, Translated by Amir E'temadi, First Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Child, J J, et. al. (2022). *Simester and Sullivan's Criminal Law: Theory and Doctrine*, Eighth Edition, Oxford, Hart Publishing.
- Child, John & Ormerod, David (2021). *Smith, Hogan, and Ormerod's Essentials of Criminal Law*, Fourth Edition, Oxford, Oxford University Press.
- Circular No. 2020/03, Ministry of Justice, 25 November 2020.
- Clarkson, C.M.V. (2005). *Understanding Criminal Law*, Fourth Edition, London, Sweet & Maxwell.
- Coroners and Justice Act 2009.
- Crime and Disorder Act 1998.
- Criminal Damage Act 1971.
- Criminal Justice Act 1948.
- Criminal Justice Act 2003.
- Criminal Justice Administration Act 1914.
- Criminal Law Act 1967.
- Cross, Noel (2020). *Criminal Law for Criminologists: Principles and Theory in Criminal Justice*, London, Routledge, First Published.
- Davidoff, Henry (2010). *Dictionary of Proverbs (Thematic)*, Translated by Farid Javaherkalam, Second Edition, Tehran, Contemporary Culture Publications. [In Persian]
- DPP v M* [2004] EWHC 1453 (Admin)
- E'temadi, Amir (2022). *Financial Offences, Volume One: Criminal Damage and Issuance of Bad Check*, First Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Explosive Substances Act 1883.
- Garner, Bryan A. et. al. (Eds.) (2015). *Black's Law Dictionary*, Abridged Tenth Edition, New York, Thomson Reuters.
- General Penal Code 1925 (With amendments of 1973). [In Persian]
- Golduzian, Iraj et. al. (2012). *Punishment of Armed Forces Crimes Act in the Current Legal System (Iranian Criminal Doctrine and Procedure)*, First Edition, Tehran, Jangal Publications. [In Persian]
- Herring, Jonathan (2019). *Criminal Law*, Eleventh Edition, London, Red Globe Press.

- Herring, Jonathan (2018). *Criminal Law: Text, Cases and Materials*, Eighth Edition, Oxford, Oxford University Press.
- Heydari, Ali-Morad (2015). *General Criminal Law (Jurisprudential-Legal Study of Reaction to Crime)*, First Edition, Tehran, Samt Publications. [In Persian]
- <https://www.sentencingcouncil.org.uk/>.
- Hudud and Qisas* and its regulations Act 1982. [In Persian]
- Huxley-Binns, et. al. (2017). *Unlocking the English Legal System*, 5th Edition, London, Routledge.
- Implementing Regulations of the Punishment of Weapons and Ammunition Smuggling and Owners of Illegal Weapons and Ammunition Act 2013. [In Persian]
- Islamic Penal Code 1991. [In Persian]
- Islamic Penal Code 2013. [In Persian]
- Jefferson, Michael (2015). *Criminal Law*, Twelfth Edition, Harlow, Pearson Education Limited.
- Johnston* [2006] 1 Cr App R (S) 665.
- Kyd, Sally et. al. (2020). *Clarkson and Keating Criminal Law: Text and Materials*, Tenth Edition, Sweet & Maxwell.
- Majidi, Majid (2019). *Crimes against the Public Interest of the Country*, First Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Malicious Damage Act 1964.
- Malicious Damage Act 1861.
- Martin, Jacqueline (2022). *English Legal System*, Translated by Amir E'temadi, First Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Masterson* [2010] 1 Cr App R (S) 114.
- Merrick* [1995] Crim LR 802 (CA).
- Mir-Mohammad Sadeghi, Hossein (2019). *Offences against Property and Ownership*, Fifty-seventh Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Parker* [1993] Crim LR 856 (CA).
- Penal Code Bill, Draft of the Deputy for Legal Affairs and Parliamentary Affairs, Winter 2024. [In Persian]
- Pourbafarani, Hassan (2023). *General Criminal Law (Reaction against Crime)*, Second Edition, Isfahan, Isfahan University Press. [In Persian]
- Powers of Criminal Courts (Sentencing) Act 2000.
- Protection of Animals Act 1911.
- Punishment of Armed Forces Crimes Act 2003. [In Persian]
- Punishment of Weapons and Ammunition Smuggling and Owners of Illegal Weapons and Ammunition Act 2011. [In Persian]
- Sangha* [1988] 2 All ER 385 (CA).
- Saunders* [2000] 1 Cr App R 458.
- Sentencing Act 2020.
- Statute Law Revision (No. 2) Act 1893.
- Steer* [1988] AC 111 (HL).
- T* [2010] 1 Cr App R (S) 377.
- Ta'zirat* Act 1983.
- Ta'zirat* Act 1995.
- Webster* [1995] 2 All ER 168.
- Wenton* [2010] EWCA Crim 2361.
- Yazdani, Mohammad Reza (2011). *Punishment of Armed Forces Crimes Act in the Current Legal System*, First Edition, Mizan Publishing in Cooperation with the General Directorate of the Education and Research Office of the Armed Forces Judicial Organization. [In Persian]
- Zera't, Abbas (2014). *Detailed Explanation of the Islamic Penal Code: Generalities*, Volume 2, First Edition, Tehran, Javedaneh Publications. [In Persian]